

«مقام نور در آیه نور»؛ معرفی اصول کیفی نور (طبیعی) منطبق بر متون قرآنی جهت کاربست در فضاهاى عبادى معاصر

بهرام احمدخانی ملکی* - دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.

فرزین حق پرست - استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده

تجلی متافیزیک نور بر فیزیک بنا، آن را اصلی‌ترین محور زیبایی‌شناسی معماری اسلامی در عرفان و معنا قرار داده است. نور در معماری سنتی و در فرهنگ اسلامی نمادی از خداوند و وحدت الهی است به همین خاطر جایگاهی خاص در معماری فضاها به خصوص فضاهاى مذهبی مانند مساجد دارد. هنر مقدس هنری است که در آن حضور حق جاری باشد و دیدن آن، انسان را به یاد خداوند بیندازد و معماری قدسی اسلام بیش از هر چیز در وجود مسجد تجلی یافته است. امروزه در مساجد معاصر کمتر به مقوله نور به عنوان یک عنصر هویت‌بخش توجه شده است. هدف از نگارش این مقاله شناسایی خصوصیات کیفی نور (طبیعی) بر اساس متون قرآنی در راستای تحقق‌پذیری فضای معنوی می‌باشد. آیه ۳۵ سوره نور، کامل‌ترین آیه نوری قرآن محسوب می‌شود که فهم آن، منوط به شناخت کامل یکایک کلمات و آنگاه ترکیب مفاهیم و جملات آیه است؛ چندان که بدون چنین شناختی دست یافتن به مقصد و تفسیر آیه، مشکل می‌نماید. لذا نگارنده بر اساس تائیل‌های صورت گرفته توسط فلاسفه اسلامی در خصوص آیه نور و بررسی مفاهیم مستتر در اجزای این آیه، مشخصات کیفی نور (طبیعی) را استخراج نموده است. روش تحقیق به کار رفته در این تحقیق استدلال منطقی با تکنیک توصیفی و تحلیلی می‌باشد. یافته اصلی تحقیق، استخراج هفت اصل مربوط به خصوصیات کیفی نور (طبیعی) از آیه نور می‌باشد. این اصول عبارتند از: اصل هستی‌بخشی، اصل سلسله مراتب، اصل عدالت، اصل نفی ماده، اصل استمرار و تداوم، اصل حرکت و جهت و اصل آیتى. بدیهی است که با حضور کیفی نور (طبیعی) در فضای عبادی، مفاهیم عینی و ذهنی در فضا بوجود آمده و باعث حس معنویت (سیر از ظاهر به باطن) توسط مخاطب و در نهایت افزایش تعلق به مکان مقدس را منجر خواهد شد.

واژگان کلیدی: نور (طبیعی)، آیه نور، اصول کیفی نور، فضای عبادی.

Light Dignity in Ayat al-Nur; Qualitative principles of (natural) light based on Quranic texts for application in contemporary Religion spaces

Abstract

Manifestation of metaphysics is based on the physics of light, it is the main axis of the aesthetics of Islamic architecture in the spirituality and meaning. The traditional architecture in the light of Islamic culture and a symbol of the divine unity of God and is therefore a special place in the architecture of religious spaces, such as spaces, particularly mosques. Sacred art is art in which the presence of this right, and see to it that the human spark, remember God and Islam's sacred architecture more than anything there is in the mosque at Epiphany. Nowadays, contemporary in mosques to less light as an element of identity section note. The purpose of writing this article is to identify the properties of the (natural) light quality based on Quranic texts in order to fulfill the disclosure of spiritual space. Verse 35 of Surah Noor (Ayat al-Nur), light verse of the Quran is the most complete understanding of it, depends on understanding individual words and then sentences the combination of concepts and verses, so getting to and interpretation of the verse without such knowledge, problem. So the author based on interpretations by Islamic philosophers of the verse and the verse implied senses of components, quality characteristics of (natural) light is the extract. The method used in this research is descriptive and analytical reasoning techniques. The main findings of the research, extraction seven principles relating to the quality of light (natural) light is the ayah. These principles include: The principle of the universe, the principle of hierarchy, the principle of Justice, the rejection of the principle of the matter, the principle of motion and the principle of continuity, stability and order and the principle of mystery. Obviously, the quality of (natural) light in the worship space, both objective and subjective concepts in space and the sense of spirituality (The appearance of the backend) awarded by audiences and ultimately increase will lead to the holy place.

Key words: (natural) Light, Ayat al-Nur, quality of light, Religion space.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۴۳۰۸۰۱۸۵ رایانامه: b.ahmad.khani@tabriziau.ac.ir

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری معماری اسلامی با عنوان «مقام نور؛ ارزیابی کمی و کیفی نور (روز) در مساجد تاریخی تبریز با رویکرد معنویت بخشی به فضا» می‌باشد که توسط نگارنده اول و با راهنمایی نگارنده دوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام است.

۱. مقدمه

«انگیزه روی آوردن به سوی نور در هنگام پرستش خداوند در ادیان مختلف وجود داشته و دارد. در اسلام و جهان‌بینی اسلامی نیز نور روز از جایگاه ویژه و ارزشمندی برخوردار بوده است. از اینرو هنرمندان اسلامی همواره کوشیده‌اند تا در آنچه می‌آفرینند از نور به عنوان نماد و مظهری که به وحدت الهی نزدیک است، حداکثر بهره را ببرند. فضاهای معماری ایرانی نیز همواره آکنده از جلوه‌های بصری و معنوی نور بوده که تجلی این جنبه‌های معنوی و تزئینی را می‌توان در معماری مساجد به عنوان شاخص‌ترین بناهای اسلامی به خوبی مشاهده کرد» (بمانیان و نیکودل، ۱۳۹۳، ص ۶۱).

با وقوع انقلاب صنعتی، رواج تفکر مدرن و جهانی شدن ابزار مدرنیزاسیون، دگرگونی‌های بنیادینی در زندگی بشر به وقوع پیوست. پیشرفت فناوری، تنوع محصولات و فرآورده‌های مدرن و در نهایت توسعه اصول جهانی معماری مدرن باعث ایجاد تحولاتی در عالم معماری گشت که برخی از آن تغییرات جبران‌ناپذیر به نظر می‌رسد. نگاهی گذرا به معماری ایران در صد سال گذشته نماینگر حذف و یا ناکارآمد انگاشته شدن عناصر فضاهای معماری بوده است که در طول قرن‌ها، حضوری پایدار داشتند. عناصری که نه تنها جنبه‌های عملکردی معماری را اعتلاء می‌بخشیدند بلکه با همسازی با شرایط اقلیمی منطقه، نوعی معنویت خاص برای فضای معماری فراهم می‌نمودند. امروزه نگرش کمیتی و نادیده گرفته شدن جنبه‌های معنایی در طراحی اغلب فضاها موجب گشته تا طراحی نور به تأمین نور مورد نیاز برای فعالیت‌های فیزیکی تقلیل یابد. این امر موجب از بین رفتن آثار روح‌بخش نور در فضای عبادی و نیاز به استفاده هرچه بیشتر از انرژی‌های الکتریکی شده است. امروزه معماران برای بکارگیری جلوه‌های اثرگذار و کیفی نور وابسته به تجهیزات نور مصنوعی شده‌اند فارغ از آنکه هنر بکارگیری نور طبیعی اثرات ماندگار کیفی و کمی بی‌شماری دارد

که در تاریخ معماری غنی ایران به شیوه‌ای خلاقانه توسط معماران با ذوق و آگاه ایرانی به کار رفته است. لازم به ذکر است که؛ بواسطه نور تصاویر عینی و ذهنی از دنیای اطراف در ذهن ما شکل می‌گیرد و فضای ادراکی تنها از طریق دریافت کیفیات فضای واقعی تصویر می‌شود. ناگفته پیداست که فضای ادراکی با فضای واقعی یکی نیست. و تصویر ذهنی از فضا نتیجه نهایی است که در نتیجه ادراک روی داده است. کیفیت فضا، چونی و چگونگی فضا است که تأثیر عاطفی خاصی بر انسان می‌گذارد. و این کیفیت از ویژگیهای بالقوه آن منتج می‌شود که با حلول نور به فعل در می‌آیند. به سخن بهتر، نور با خصوصیات کیفی خود عامل اساسی در تبدیل فضای عبادی به مکان مقدس می‌باشد. بر این اساس، نگارنده در پژوهش حاضر بر اساس تفاسیر صورت گرفته در مورد «نور» و «آیه نور» خصوصیات کیفی نور را استخراج نموده، تا با معرفی آنها، در بهبود کیفیت فضایی مساجد قدم‌های اساسی برداشته شود.

۲. پیشینه بحث

بحث نور در یونان در دوره پیش از سقراط در اندیشه امپدوکلس (هومن، ۱۳۸۱، ص ۹۴) و پارمنیدس و دردوره های پس از سقراط، در اندیشه های افلاطون و دیگران مطرح شده است. در آیین مسیح(ع) نیز کتاب مقدس با سخن درباره آفرینش نور آغاز می‌شود (کتاب مقدس، ۱۳۶۲، ص ۱). در دوره پس از ظهور دین مسیحیت نیز اشاراتی از سوی برخی متفکران چون اسپینوزا، (اسپینوزا، ۱۳۶۴، ص ۱۱۴) به این موضوع شده است.

در ایران پیش از اسلام نور در آیین زرتشتی جایگاه ویژه ای داشته است (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۲۲). اساس دین مانی نیز بر دو اصل خیر و شر یا نور و ظلمت استوار است (تقی‌زاده، ۱۳۳۵، ص ۳۷). درباره طرح این موضوع در اسلام می‌توان گفت وجود سوره ای به نام «نور» در قرآن و نیز آیه‌ای به نام «نور» در این سوره، همچنین چهل و سه بار

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۸۲

جدول ۱. مفهوم نور در فرهنگ لغات (بر اساس پردازش اطلاعات نگارنده).

منبع	مفهوم
دهخدا (۱۳۷۷)	۱- روشنایی. ۲- روشنی هرچه باشد، یا شعاع روشنی. ۳- ضیاء، سنا، ضوء، شید، فروغ. ۴- کیفیتی که بوسیله حس بینائی درک می‌شود و به وساطت آن اشیاء دیده می‌شود.
عمید (۱۳۷۹)	۱- روشنایی؛ تابش؛ فروغ؛ فروز؛ نور چراغ، نور آفتاب. ۲- توانایی دیدن. ۳- بیست و چهارمین سوره قرآن کریم. ۴- رونق.
معین (۱۳۷۹)	۱- روشنایی، فروغ. ۲- شعاع. ۳- قدرت دید، سو. ۴- سوره بیست و چهارم از قرآن کریم. ۵- رونق، جلوه.
فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵)	گستره‌ای از طیف الکترومغناطیسی که چشم آن را می‌بیند؛ گاهی این اصطلاح برای تابش‌های فروسرخ و فرابنفش نیز به کار می‌رود.

۳،۳. روش پژوهش: روش تحقیق مورد استفاده، استدلال منطقی با تکیه بر تکنیک‌های توصیفی و تحلیلی خواهد بود.

۴. ادبیات موضوع

۴،۱. مفهوم لغوی نور

طلوع خورشید با پراکنده شدن اشعه‌هایی همراه است که مجموع آنها نور نامیده می‌شود. نور یعنی روشنایی یا شعاع روشنی، کیفیتی که خودش پیدا، آشکار و روشن است و اشیاء دیگر را روشن و پیدا می‌کند. نور، مترادف ضیاء، ضوء و روشنایی است. در لغت و اصطلاح علوم، نور و ضوء اندکی متفاوتند. ضوء، «نور ذاتی شی» و کیفیتی است که کمال بالذات شی شفاف از آن جهت که آن شی شفاف است محسوب می‌شود. اما نور، از غیر خود مستفاد شده و کیفیتی است که جسم غیرشفاف از آن بهره‌مند شده و شفاف بالفعل می‌گردد (نوربخش، ۱۳۸۴، ص ۷). مفهوم نور در فرهنگ لغات دهخدا، عمید، معین و فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی به شرح ذیل در جدول شماره (۱) آمده است:

تکرار این واژه در آیات مختلف بیانگر اهمیت این بحث می‌باشد. پس از نزول قرآن نیز که مفسران به تفسیر آیات قرآن به روش‌های مختلف روایی، عرفانی، اجتهادی، فلسفی، کلامی پرداختند برخی مفسران مانند علامه طباطبائی، فخر رازی، ملاصدرا مباحث مفصل و مبسوطی درباره این موضوع ارائه کرده‌اند و بزرگانی چون ابوحامد غزالی، ابن سینا علی‌رغم نپرداختن به تفسیر کل قرآن، از توجه به آیه مبارکه نور غافل نمانده و رساله‌هایی در تفسیر این آیه مبارکه تألیف کرده‌اند که این مطلب بیانگر اهمیت این آیه و مباحث مربوط به آن می‌باشد. برخی متفکران دیگر همچون شیخ اشراق فلسفه خود را بر نور و ظلمت بنا نهاده‌اند.

۳. فرآیند پژوهش

۳،۱. هدف پژوهش: هدف از این پژوهش، معرفی خصوصیات کیفی نور (طبیعی) بر اساس متون قرآنی جهت کاربست در معماری معاصر فضاهای عبادی می‌باشد.

۳،۲. سوال پژوهش: نور (طبیعی) با چه خصوصیات کیفی، مشخصات فضای عبادی را به یک مکان معنوی تغییر داده و حس مکان مقدس را بوجود می‌آورد؟

۴.۲. جایگاه نور در فرهنگ و معماری ایرانی اسلامی

بنیاد هستی و بزرگترین حقیقت عالم را در نور میتوان یافت. حضور نور در آثار معماری، در طول دوره‌های مختلف تاریخی (پیش از اسلام و پس از ورود آن به ایران) چه از جنبه عملکردی نور که عاملی برای روشنایی و حیات‌بخشی در فعالیت‌های روزانه بوده است و چه از جهت اهمیت آن در مباحث اعتقادی ادیان، همواره مورد توجه و استفاده فراوان بوده است. قرن‌هاست که عارفان در ستایش نور در مقام جوهری معنوی سرودها خوانده و شعرها سروده‌اند. انگیزه روی کردن به سوی نور و فروغ در هنگام پرستش خداوند در آیین زردشتی به روشنی در این سخن آشوزردشت هویداست: «چون خداوند یا نور کل به دیده ظاهری ما دیده نمی‌شود، پس باید با دیده ظاهربین رو به سوی انوار صوری یا ظاهری نموده و از این راه وجدان معنی بین را به سوی نور معنوی یعنی اهورامزدا راهنمایی کرد» (اوشیدری، ۱۳۷۹، ص ۲۵).

فرهنگ اسلام، مفهوم اصیلی از نور ارایه می‌دهد که با تاویل عالمانه و در سایه ژرف‌نگری قابلیت رمزگشایی دارد. واژه نور و متعلقات آن چهل‌ونه بار در قرآن ذکر شده است و در معانی مختلفی چون ایمان، یقین، پاکی، رحمت، هدایت‌گری، قداست، نور عقل که ظلمت جهل را ویران می‌کند و ... آمده است. در آیه ۳۵ سوره نور، «الله نور السموات و الارض...» که کامل‌ترین آیه نوری قرآن محسوب می‌شود، مراد از نور، نوری است که حقیقتاً اسم نور به آن اطلاق می‌شود (سهروردی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۵). نوری حقیقی و بسیط که اولاً به خودی خود روشن است. ثانیاً، روشنی‌بخش است و غیر خود را آشکار می‌کند یعنی «الظاهر بذاته و المظهر لغيره هو النور» (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲: صص ۱۱۴-۱۱۳). از این رو اطلاق نور به ذات مقدس خداوند، حقیقی است و به سایر انوار، نور مجازی اطلاق می‌شود؛ و بدین سان است که تجلی ذات مقدس خداوند، نور

است؛ زیرا اگر تجلی، عَرَض باشد و بر نور اضافه شده باشد لازم می‌آید که نور فی نفسه قابل رویت نباشد و خود به وسیله چیز دیگر که فی نفسه قابل رویت است، دیده شود (لاهوری، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰). اولین جایگاه تجلی هنر ایرانی و اسامی، در معماری مساجد است که فضا و مکانی برای ارتباط نورالانوار می‌باشد (بماینان، عالی‌نسب، ۱۳۹۰، ص ۵۴۳). معماران در ساختن مساجد که نماد معماری مذهبی به شمار می‌رود علاوه بر استفاده مادی از نور، مفهوم نمادی اعتقادی آن را نیز لحاظ کرده‌اند (کشمیری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

۴.۳. نور در دیدگاه قرآن

مسلمانان معتقدند کسانی که به مرتبه والایی از آگاهی معنوی رسیده‌اند و حقیقت را درک می‌کنند، سرشار از نور آگاهی الهی هستند و آغوش آنها به روی دریافت موهبت‌های عظیم الهی باز است. به عقیده مسلمانان، نور بر اشراق یافتگان می‌تابد، حتی اگر در فقر مادی به سر برند. کسانی که در نور هستند، فقر یا درماندگی را نمی‌شناسند؛ زیرا با غنای معنوی و شکوه الهی آشنا شده‌اند. اساتید اشراق یافته و پیامبران خدا همانند آینه‌ای هستند که مومنان نور خدا را منعکس می‌کنند (باسائو، ۱۳۸۵، ص ۶۵). اسلام می‌گوید: «دین، نوری درخشان است که می‌تواند از انسان محافظت کند. وقتی که نور از بشر پنهان باشد، در آرامش و صلح وقفه ایجاد می‌شود. نور در درون ما پنهان است و هنگامی که ساکنان زمینی نمی‌توانند دین را به عنوان یک نور الهی بدانند و به آن احترام بگذارند، به طور قطعی شکست می‌خورند. افق جهان، درخشان از نورالنور یا همه نورها است. اما عموم بشریت قادر به دیدن آن نیستند» (همان، ص ۱۰۰). در قرآن کریم، به کرات از نور یاد شده است. جدول شماره (۲) اشاره به آیاتی از قرآن کریم دارد که در آنها به نور اشاره شده است. از میان آیات مذکور، عظیم‌ترین آیه قرآن در مورد نور، آیه ۳۵ سوره نور است. از دیدگاه مفسران اسلامی، آیه فوق بیانگر این حقیقت است

که «خداى تعالى داراى نورى عمومى است كه با آن آسمان و زمين نورانى شده است و در نتيجه بوسيله آن نور در عالم وجود حقايق ظهور نموده است كه ظاهر نبوده و بايد هم اين چنين باشد. چون ظهور هر چيز اگر به وسيله چيز ديگرى باشد، بايد آن وسيله خودش به خودى خود ظاهر باشد تا ديگران را ظهور دهد و تنها چيزى كه در عالم به ذات خود ظاهر و براى غير خود مظهر باشد، همان نور است. پس خداى تعالى نورى است كه آسمان ها و زمين با اشراق او بر آنها ظهور يافته اند. همچنان كه انوار

جدول ۲. مفهوم نور در تعدادى از آيات قرآنى (بر اساس پردازش اطلاعات توسط نگارنده)

سوره	آيه	متن آيه و ترجمه	برداشت مفهومى
مائده	۴۴	إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى ... ما تورات را كه در آن رهنمود و روشنايى بود، نازل كرديم ...	نور معادل تورات
مائده	۴۶	... وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ ... و او را انجيل داديم كه در آن هدايت و نور بود و آن نيز تصديق كننده تورات پيش از خود و ...	نور معادل انجيل
رعد	۱۶	... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ ...؟ ... بگو: آيا چشم نابينا (ى جاهل) و ديده بينا (ى عالم) يكسان است؟ يا ظلمات (شرك و بت پرستى) با نور (معرفت و خدا پرستى) مساوى است؟ ...	نور به معنای بينايی و روشنايی
توبه	۳۲	يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ مى خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش كنند، و خدا جز به كمال رساندن نور خود نمى خواهد. هر چند كافران را خوش نيايد.	نور به معنای قرآن
تغابن	۸	فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنَّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ پس، به خدا و رسولش و نورى (كتاب آسمانى قرآن) كه نازل كرديم، ايمان آوريد و بدانيد كه خداوند به آنچه عمل مى كنيد آگاه است.	نور به معنای پیامبر
زمر	۶۹	واشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا ...؛ و زمين به نور پروردگارش روشنى يافت ...	نور به معنای راه راست
حدید	۹	هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ...؛ اوست كه بر بنده خود همواره آيات و دلايل روشنى فرو مى فرستد تا شما را از تاريكى ها به سوى نور (هدايت) بيرون آورد ...	نور به معنای راهنما و رهبر
حدید	۱۹	وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ؛ كسانى كه به خدا و رسولان او ايمان آوردند، آنها «صديقين» (بسيار راستگويان و تصديق كنندگان) و گواهان نزد پروردگارشان هستند، براى آنها است پاداششان و نورشان.	نور به معنای اجر و پاداش
يونس	۵	هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا ...؛ خدا است كه خورشيد را درخشان و ماه را تابان گردانده است ...	نور حسى

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۸۵

نور	۳۵	اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ خدا نور آسمانها و زمین است مثال نور او همچون محفظه‌ای است که در آن چراغی باشد، و چراغ در شیشه‌ای است، شیشه‌ای چون یک ستاره درخشان که آن چراغ با روغن زیتی صاف و زلال باشد از درخت پر برکت زیتون که نه شرقی است و نه غربی گرفته شده، در نتیجه آنچنان صافی و زلال است که نزدیک است خود به خود محترق شود، اگر چه آتش هم به آن نرسیده باشد، چنین چراغی نورش دو چندان و نوری فوق نور است، خدا هر کس را که بخواهد به نور خویش هدایت می‌کند و خدا این مثلها را برای مردم می‌زند و او به هر چیزی داناست.	نور به معنای خدا
-----	----	---	------------------

نیز تشبیهاتی چون «مشکاه»، «زجاجه» و «کوکب» خود محکم‌ترین دلیل بر اثبات عالم مثال و وجود حقیقی نور در مراتب خویش است.

۵. نور و آیه نور در دیدگاه فلاسفه اسلامی

پس از سایه‌گستری دین اسلام بر سرزمینی به گسترده‌گی آسیای مرکزی تا سلسله جبال پیرنه، مراکزی علمی مانند حوزه علمی اسکندریه که در این بخش از جهان متمدن آن روزگار قرار داشت، توجه مسلمانان را به خود جلب کرد و باعث شد که متفکران اسلامی به ترجمه کتابهای علمی از زبانهای سریانی، یونانی و پهلوی به زبان عربی بپردازند. توجه اساسی مسلمانان به ترجمه علوم و فنون از میانه قرن دوم هجری آغاز شد و در سالهای پایانی قرن چهارم به اوج خود رسید. در این مدت کتابهای بسیاری در دانشهای گوناگون همانند فلسفه، منطق، طبیعیات و ریاضیات ترجمه شد. مسلمانان در این برهه که عصر ترجمه/نهضت ترجمه نام گرفت به جذب کلیه اندوخته‌های فرهنگی که پیش از اسلام در شرق و غرب وجود داشت، همت گماشتند و آن را با تعالیم دین خویش پیوند دادند. فلسفه اسلامی نیز مانند سایر نحله‌های فکری اسلامی محصول حوزه معرفت دینی است. قرآن کریم به

حسی نیز اینگونه هستند، یعنی خود آنها ظاهر هستند و با تابیدن به اجسام ظلمانی و کدر آنها را روشن می‌کنند. با این تفاوت که ظهور اشیاء به نور الهی عین وجود یافتن آنها است. ولی ظهور اجسام کثیف بوسیله انوار حسی، غیر اصل وجودی آنها است» (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۵: ص ۱۷۰). تاکید بر نسبت میان وجود و نور به ویژه در تفسیر آیه نور آن هم از سوی یکی از بزرگترین مفسران معاصر، تاییدی بر این همانندی است: «نور عبارت است از چیزی که ظاهر بالذات و مظهر غیر است، مظهر اجسام قابل دیدن. و چون وجود هستی هر چیزی باعث ظهور آن چیز برای دیگران است، پس مصداق تام نور همان وجود است و از سوی دیگر چون موجودات امکانی وجودشان به ایجاد خدای تعالی است پس خدای تعالی کامل‌ترین مصداق نور می‌باشد. اوست که ظاهر بالذات و مظهر ماسوای خویش است و هر وجودی به وسیله او ظهور می‌یابد و موجود می‌شود. پس خدای سبحان نوری است که بوسیله او آسمانها و زمین ظهور یافته‌اند» (همان، ص ۱۷۲). اما آیه ۳۵ سوره نور نه تنها به این دلیل که کاملترین آیه نوری قرآن است، مورد توجه ما است، بلکه وجود تعابیری چون «مثل نوره» و

جدول ۳. نور و تاویل مثال های نوری آیه نور از دیدگاه فلاسفه اسلامی (بر اساس پردازش اطلاعات توسط نگارنده)

ابن سینا	غزالی	سهروردی	ملاصدرا	نسبت میان نور و خداوند
خداوند حد اعلی و اتم و اکمل نور و کمال مطلق است.	منبع تمام نورها خداست.	نور مطلق خداست و نزدیکی به نورالانوار موجب افزایش قدرت حضور می شود.	نور حقیقی همانا خداست.	
مشکات	عقل هیولانی	روح حساس	عالم اجسام	
زجاجه	عقل بالملکه، نفس	روح خیالی	چشم	
نار	عقل فعال	-	نور	
زیت	قوه قدسیه، حدس	-	عالم ارواح نفسانی	
فتیله	-	-	-	
مصباح	عقل بالفعل	روح عقلی	ایمان حضرت محمد(ص)، علم، دل، عقل تاریک که با قرآن روشن می شود	
نور	عقل مستفاد	روح قدسی نبوی	امام، خلیفه خدا روی زمین	-
درخت	فکر	روح فکری	قوه تفکر، درخت موسی، درخت زیتون	هیولای کلی

تاویل مثال
های نوری
آیه نور

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۸۷

عنوان یکی از منابع الهام فلسفه اسلامی، به رغم گمان برخی از متفکران غربی هسته مرکزی تفکر مابعدالطبیعی فلاسفه و مشحون از مسائلی است که مورد توجه مشترک دین و فلسفه می باشد. از این رو در پی تعارضی که بین آرای فلسفی خردورزان یونان با متون دینی به وجود آمده بود، فیلسوفان مسلمان کوشیدند تا به فهم متون نایل آیند و از این طریق میان فلسفه و دین همسویی ایجاد کنند. شایان توضیح است که بسیاری از متکلمان در تبیین و تفسیر متون دینی به ظواهر قرآن تمسک کردند و برای عقل هیچ مداخلیتی در تفسیر آیات و تبیین مبانی معرفتی ایمان قائل نشدند. این گروه که به

ظاهرگرایان معروفاند، در تفسیر مفاهیمی چون: عرش، کرسی، صراط، لوح و قلم به معنای ظاهری آنها اکتفا نموده، فهم ظاهر قرآن را به عنوان یگانه راه حقیقی تصور کردند. در مقابل اینان معتزله بودند که به حجیت عقل اعتقاد داشتند و هر جا آیات قرآن را مخالف عقل می دیدند آن را به کمک عقل تأویل می کردند. اشاعره نیز رویکرد سومی را پیش گرفتند. آنان هر چند عقل را انکار نمی کردند، ولی در مقابل ایمان، قائل به حجیت عقل نبودند. فلسفه اسلامی در تقابل میان این سه رویکرد به وجود آمد. البته این رویکرد چهارم بیشتر وامدار مذهب تشیع است. شاید به همین خاطر دانشجویان

شیعه توجه خاصی به فلسفه ابراز نموده‌اند؛ چه اینکه مذهب تشیع در میان مذاهب اسلامی بیشتر مبتنی بر تعقل و خردورزی بوده است. بنابراین طبیعی می‌نمود که فیلسوفان مسلمان شیعی کوشش بیشتری در سازش میان دین و فلسفه کرده باشند که کندی (۱۸۵-۲۶۰ق) در آغاز آن قرار دارد و ابن‌سینا آن را به اوج خود رساند و سرانجام به دست توانای مرحوم صدرالمآلهین به بار نشست. فیلسوفان مسلمان راه آشتی بین دین و فلسفه را در تفسیر فلسفی قرآن می‌جستند. تفسیر فلسفی قرآن چنان که در روش تفسیری هر یک از فلاسفه خواهد آمد درصدد دریافت صورت اصلی و حقیقی آیات الهی است. سعی و تلاش فیلسوفان رهیابی به شناخت حقیقت پدیده‌هاست. فیلسوف به وسیله تأویل درصدد حقیقت‌یابی مفاهیم و پدیده‌هایی است که بر روی پرده حقیقت ظاهر‌نمایی می‌کند. فیلسوف می‌کوشد این پرده را با تأویل به کنار بزند و قسمت ناپیدای آن را هویدا سازد؛ اما اینکه در این راه چه اندازه کامیاب و پیروز بوده و توانسته‌اند به توفیق میان دین و فلسفه نایل آیند، بحث مستقلی را می‌طلبد که از حوصله این مختصر خارج است. این بخش از جستار حاضر، نگاهی جامع به فهم فیلسوفان مسلمان از آیه نور دارد تا در پرتو آن، دستاوردی از مذهب تفسیری اینان را نیز بیان کرده باشد. لذا در دو بخش نسبت نور به خداوند و منظور از مثالهای آیه نور به توصیف و تحلیل نظرگاه هر یک از آنان در جدول (۳) پرداخته ایم

۶. معرفی اصول کیفی نور بر اساس آیه نور

بر اساس تاویل‌های صورت گرفته توسط مفسران اسلامی از یک طرف و ادبیات تحقیق؛ نگارنده اصولی را از متن آیه نور استخراج نموده است که همان اصول پایدار حضور کیفی نور در معماری قدیم ایران است، که در ذیل به آنها اشاره می‌شود. با توجه به اینکه قرآن وابسته به مکان و زمان نیست لذا این احکام مستخرج نیز قابلیت تعمیم‌پذیری در هر زمان و مکانی را دارد و به بکار بستن این الگوها

می‌تواند مشخصات فضا را کیفی کرده و آن را به یک مکان مقدس هویت دار جهت انجام فرایض دینی مبدل ساخت. نگارنده آیه نور را به هفت قسمت، جزء بندی نموده و بر اساس مفاهیم مستتر در آنها، اصل صادر شده از آنها را بیان نموده است که به قرار زیر می‌باشند:

• اصل اول: «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ اصل هستی بخشی مبتنی بر اصل یگانگی وجود.

• اصل دوم: «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوَةٍ فِيهَا مُضْبَاحٌ الْمُضْبَاحُ فِي زَجَاجَةٍ الزَّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»؛ اصل سلسله مراتب بودن نور مبتنی بر جمیل و جلال.

• اصل سوم: «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ»؛ اصل عدالت (بی‌جهتی و همه جهتی)

• اصل چهارم: «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيَاءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ»؛ اصل نفی ماده.

• اصل پنجم: «نُورٌ عَلَى نُورٍ»؛ اصل استمرار و تداوم.

• اصل ششم: «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»؛ اصل حرکت و جهت.

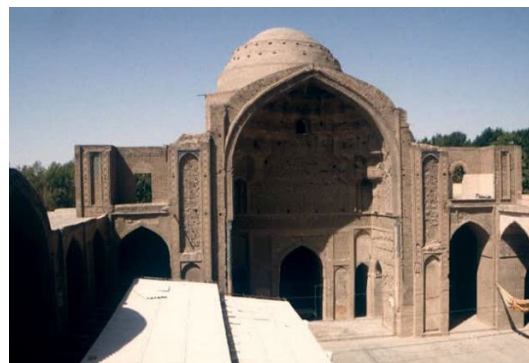
• اصل هفتم: «وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ اصل آیتی.

۶.۱. اصل اول: «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ اصل هستی بخشی مبتنی بر یگانگی وجود الهی

خدا روشنگر هستی است. چرا که خداوند با پرتو لطف خود جهان را از نیستی به هستی آورده است و آن را پدیدار کرده است. هستی، فیض خداوند و پرتوی از نور اوست، قوام و بقای هستی از اوست. در سراسر حکمت ایرانی، رابطه رمزآمیز تعریف مبداء هستی بخش به واسطه نور به معنی هست شدن و موجود بودن به واسطه بود و وجودی است که با نور تعریف و شناخته شده است. حضور نور در اثر معماری وجود را تداعی می‌کند و وجود نور علت موجودیت را نشان می‌دهد. از این رو موجود که -در اینجا معماری است- هستی‌اش وابسته به نور است، نور را که علاوه بر پدیداری کالبد مسبب



مسجد حکیم اصفهان



مسجد جامع ورامین

اصل سلسله مراتب بودن نور مبتنی بر جمیل و جلال در این مثال، خداوند خود را به (مصباح) و جهان را به (مَشْکَاة) تشبیه فرموده است و مرادش از (زُجَاجَة) پرده‌ای است که خداوند خویشتن را در فراسوی آن از چشم خلایق پنهان کرده است. ولی این پرده نه تنها نهان نمی‌دارد، بلکه بر شدت ظهور نیز می‌افزاید. نقش زجاجه در اینجا به عنوان تعدیل کننده و پخش کننده نور است. مصباح که در عرفان و حکمت نوری کورکننده است و دارای شدت بیشتری می‌باشد توسط زجاجه در فضا پخش شده و بدین وسیله تلطیف می‌گردد و انسان با آن انس بیشتری پیدا می‌کند. علامه طباطبایی نیز چنین می‌فرماید: «تشبیه زجاجه به کوكب دري، از جهت ازدیاد روشنایی نور مصباح است و شفافیتی که بر اثر ترکیب با زجاجه پیدا نموده است، که در آن صورت شعله، آرامش بیشتری یافته و بر اثر امواج هوا و وزیدن باد، اضطراب پیدا نمی‌کند، با این وصف، زجاجه همچون کوكب دري می‌درخشد» (طباطبائی، ۱۳۷۰، ج ۱۵/ص ۱۲۳). در نتیجه لازم است که نور به صورت سلسله مراتب و تعدیل شده وارد فضا گردد. شدت‌های متفاوت نوری، کیفیاتی متفاوتی را خلق می‌کند که بدان طریق می‌توان برای هر فضا با مشخصه خاص، نور ویژه‌ای را تعریف نمود. ملاصدرا در حکمت متعالیه، حقیقت وجود را واقعیته ذومراتب

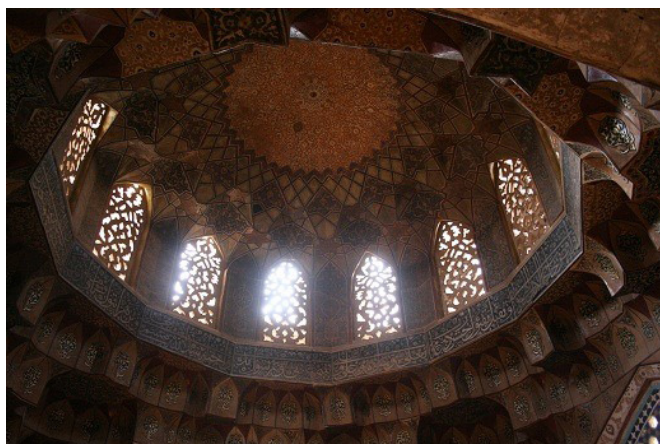
پدیداری اساس حقیقت آن می‌شود، حقیقتی که ورای کالبد وجود دارد. نور با حضور خود وجود را معنا می‌بخشد و از این رو کالبد معماری را با وجود حضور کیفی خود زنده می‌کند. اصل هستی‌بخش مبتنی بر یگانگی وجود الهی می‌باشد و ظهور آن مستلزم حضور تاریکی در فضا است (جدول ۴). از این رو نور در این مقام «هستی بخش معماری» و به سخن دیگر نور جان معماری تلقی می‌شود. به عبارت بهتر:

• نور در این تعبیر جان معماری است از آن رو که پیدایی اثر را سبب می‌شود و موجودیت آن را تعریف می‌کند؛
• نور در این تعبیر جان معماری است به این دلیل که حقیقت مکان بر پایه نور و مفاهیم وابسته به آن تعریف می‌شود؛
• نور در این تعبیر جان معماری است از آن رو که معماری را واجد باطنی کرده است که محتوای بیانگری استعلایی را در خود جای می‌دهد؛
• نور در این تعبیر جان معماری است از آن رو که معماری همچون هر کنش دیگر در جوامع سنتی و آیینی، تمثیلی از موجودیتی (وجودی) است که به واسطه گونه‌ای از حضور نور پدیدار می‌شود و پیدایی خود را مدیون آن است.

۶،۲. اصل دوم: «مَثَلُ نُورِهِ كَمَشْكُوَةٍ فِيْهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»؛



مسجد امام اصفهان



مسجد گنجعلی خان کرمان

باعث ازدیاد نور در فضای داخلی می گردد (جدول ۵). با قرار دادن قالب برای نور غالب به عنوان حجاب، مکانیسم نورپردازی در فضای معماری قدیم ایران به صورت ذیل تعریف می گردد: مهار نور، تلطیف نور، انعکاس و جذب نور و هماهنگ کردن قدرت بینایی به نور.

۶،۳. اصل سوم: «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ»؛ اصل عدالت (اصل بی جهتی و همه جهتی)

از آنجا که این جمله وصف برای شجره است و مقصود از آن درخت زیتون است منظور از «لاشرقیه ولاغربیه» این است که همواره در تمام جهات برخوردار از آفتاب است تا ثمره آن نیکو گردد. این امر موجب می گردد فضای عبادی از نور یکنواختی برخوردار بوده و هیچ قسمتی نسبت به قسمتی دیگر برتری نداشته باشد. اینگونه فضا به اصطلاح بهتر، فضای مالا مال از نور است. از لحاظ علمی در اینگونه از فضاها، سایه فرد که نشانی از عالم مادی است به وجود نمی آید. و از ایجاد انبسان نوری (کنتراست) جلوگیری می کند. ارزش فضایی هر نقطه از فضای عبادی با سایر نقاط یکی است. این امر سبب پیدایش فضای بی جهت یا همه جهت می شود (جدول ۶). معماری ما، در بالاترین و

و تشکیکی می داند که از وجود بی نهایت شدید شروع می شود و تا ضعیف ترین وجود یعنی وجود هیولا و ماده نخستین امتداد می یابد. تشکیک در اصطلاح فلسفه البته بر اساس تفسیری که ملاصدرا از حقیقت خارجی دارد به این معنا است که وجود - که یک حقیقت واحد است - دارای مراتب مختلفی است و به عبارت دقیقتر در عین اینکه واحد است کثیر نیز هست و در عین کثیر بودنش واحد نیز هست. نور برای شناخته شدن نیاز به تجلی دارد و لذا معماری برای این منظور اسبابی را در نظر می گیرد که این اصل به گویایی بیشتر در فضای عبادی بروز نماید. بنابراین نور خدا هم گسترده است و هم ثابت. (شیشه، هم نور را زیاد می کند و هم نور را از خاموش شدن حفظ می کند). اصل تجلی در معماری ایران قدیم توسط اصل حجاب در برابر نور غالب بوجود می آید. نور شریف است و شرافت نور به حجاب آن است که در قالب آن حجاب به فضای درونی نفوذ می کند و این امر در معماری مساجد ایران قدیم به وفور مشهود است. اساس این حجاب نیز مبتنی بر جمیل و جلال وجود است. به عبارت دیگر، نقوشی که در مقابل نور غالب کشیده می شود به زیبایی وجه جمال و کمال نور الهی را به صورت سلسهوار بر دیده مخاطب آشکار می نماید و



مسجد جامع اصفهان



مسجد وکیل شیراز

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۹۱

است، تمایز جهت قبله از جهات دیگر آنقدر نیست که بی جهتی زیربنائی و بنیانی فضا را مخدوش نماید. این بی جهتی فضا در افق در عین حال نوعی تأکید بر مرکز و توجه به سمت بالا را نیز در خود می‌پرورد یا زمینه را برای تحقق آن فراهم می‌کند. ۶،۴. اصل چهارم: «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيَاءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسُسْهُ نَارٌ»؛ اصل نفی ماده این مثال به این اشاره دارد که آن چراغ (مصباح) از روغنی فروغ می‌گیرد که به آن روغن، آتش نرسیده است. به روشنی می‌توان مفهوم نفی مادیت را در این مثال دید. بر این اساس نور مصباح، نور درون نهفته است و وابسته به ماده (روغن) نیست. پس نور خدا از ذات اوست نه از عوامل بیرونی. حضور اندیشیده نور در سراسر معماری قدیم ایران که از طریق انتخاب آگاهانه اجزا، ترکیب آنها و نیز اثر برآیندی‌شان به تحقق رسیده است ماده را به جسمی لطیف تبدیل می‌کند و به عبارتی کالبد خام معماری را به پیکره‌ای بر خلاف مادگی مورد انتظار تبدیل می‌کند. به تعبیری در این فرآیند که نوعی نیل به ماده زدایی است، نور حقیقت ماده را به لطافت و انعطاف و پویایی تبیین می‌کند و مشارکت نور و ماده، پیداگر نهان‌ها و بیانگر بیان‌ناپذیرها می‌شود (جدول ۷). در این حالت

کلی‌ترین مرتبه طرح، حاوی بی‌جهتی است. این نکته را می‌توان در مبنای طرح حیاطی چهار ایوانی در مسجد یا مدرسه یا کاروانسرا و غیره آن دید. یا در قرارگیری فضاهای پراهمیت در میانه اضلاع حیاط یک خانه و یا فضای سرپوشیده یک تیمچه یا سرای بازار و نیز در طرح یک کوشک با گنبدی مرکزی و چهار ایوان رو به چهار جهت در اطراف آن، بوضوح مشاهده کرد. وجود نماهای مشابه چهار جهت داخل یک گنبد خانه، نشستن طاقنماها یا قوس‌های یکسان در چهار سوی یک تالار یا هشتی ورودی یک خانه و بسیاری دیگر نیز این بی‌جهتی کلی فضاها را چه در کل طرح و چه در اجزا آن متصور می‌کند. تأکید مصرانه معمار بر فضاهائی با قاعده مربع و هشت ضلعی و هشت و نیم هشت و حتی با کمی تسامح مستطیل، در گوشه و کنار بنا را نیز می‌توان منبعث از تمایل او به بی‌جهتی فضا دانست. با این تمهیدات در این فضاها به هیچ سوئی کشیده نمی‌شویم و یا کشش به هر سو با کشش جهت مقابل خنثی می‌گردد و به این ترتیب انسان فشاری بر خود احساس نمی‌کند، گویی معمار با فراهم آوردن اسباب بی‌جهتی در فضا به انسان رهائی و به فضا کمال بخشیده است، حتی در مسجد که توجه و تأکید بر جهت قبله مهم، لازم و محترم



مسجد گنجعلی خان کرمان



مسجد جامع اصفهان

است و پدیده‌ها همه ظهور و تجلی و پرتو اویند. آن‌ها هیچ استقلالی از خود ندارند و عین تعلق به خداوندند. تجلی حضرت حق به دلیل توسع الهی تکرارپذیر نیست. از این رو تجلی او مدام است و با نفس رحمانی‌اش (بسط وجود بر اعیان)، دم به دم آفرینش نو می‌شود. بر این بنیاد، خلق جدید (آفرینش مدام) همان تجلی مستقر و تکرارناپذیر حق است. با تجلی جمالی حق، پدیده‌ها بقا می‌یابند و با تجلی جلالی، فانی می‌شوند. این بقا و فنا و خلع و لبس دائمی است (خلق مدام). تمثیلی که در مورد خلق جدید در بسیاری از کتب دیده می‌شود، این است که نور چراغ پیوسته در بقا و فناست و هر نفس، وجود چراغ در تبدیل است و تجدد که در نظر سطحی، گمان می‌رود، این فروزش از آغاز تا پایان یکی است. بر مبنای خلق جدید، تبدل و تجدد به طور مدام واقع می‌شود و به علت صفت ذاتی امکان، هر لحظه لباس وجود از تن پدیده‌ها برکنده می‌شود و به تجدد فیض رحمانی هر لحظه لباس جدیدی از وجود می‌پوشند، ولی به سبب سرعت انقضا و تجدد، این حقیقت بر ظاهر بینان مشهود و مکشوف نیست. در لابه‌لای بدنه بناهای معماری ایران، فضا هیچ‌گاه با قاطعیت مشخص نمی‌شود و ابهام ترکیبات پیچیده آن به دلیل غنابخشیدن به منظره‌ای است که نمی‌توان آن را در قالب محدود و تمامیت یافته تفسیر کرد. این فضا حامل پیام از پدیده‌ای است که پدیده دیگری در درون خود دارد

تاریکی برای نور نقش مکمل را در پرداخت فضا دارد. اهمیت تاریکی در پردازش به میزانی است که عدم وجود آن این عمل را بی‌معنا می‌کند. همین مهم است که کیفیت فضاهای به تمام روشن دوران نو را به زیر سوال برده و رخداد پردازش در اینگونه فضاها را ناممکن ساخته است. ماده زدایی در معماری عملی کیمیایی است. کیمیا از نظر متفکر ایرانی چون نصر «راهی برای هشیاری از فریب غفلتی است که آن را جهان می‌نامیم، و این هشیاری به میانجی‌گری مشاهده اصلی طبیعت و سهیم شدن در رویای نفس عالم از طریق ازاله سدهای محدود کننده روان فردی حاصل می‌شود» (نصر، ۱۳۸۹، ص ۲۶۵). و این عملی است که معمار ایرانی آن را به مدد اکسیر نور در فضا انجام داده است. در واقع در تبدل، عملی که در فرایند کیمیاگری روی می‌دهد، آنگونه اکسیر در سیماهای آشکار و نهان فلز دخالت می‌کند و بر آنها اثر می‌گذارد تا آن را به نسبت کامل موجود در طلا برساند.

۶.۵. اصل پنجم: «نور علی نور»؛ اصل استمرار و تداوم

روشن‌گری خداوند همیشگی و دائمی است. اضافه فیض رحمانی به صفت جمالی و جلالی سبب تداوم و استمرار جهان هستی می‌شود؛ یعنی به مشیت الهی، موجودات به صفت جلالی نابود می‌شوند و به لطف خداوندی به صفت جمالی موجودیتی تازه می‌یابند. حضرت حق تنها وجود حقیقی

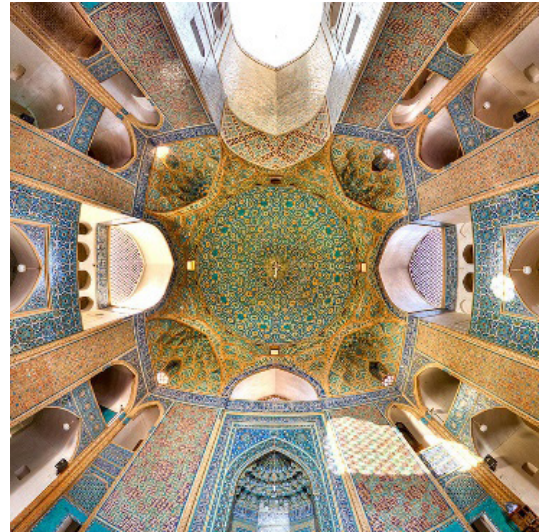
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۹۲



مسجد شیخ لطف الله



مسجد جامع یزد

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

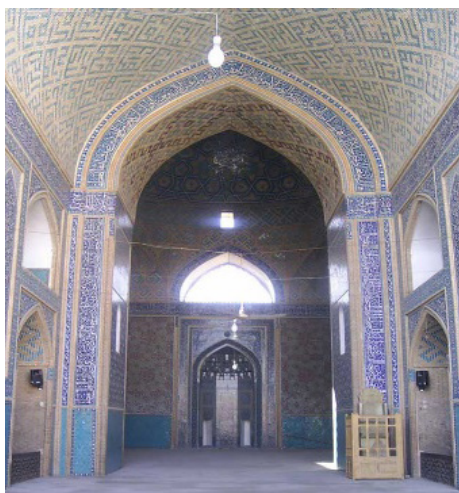
۴۹۳

روشنایی را به همراه تنظیم شرایط حرارتی برآورده می‌سازد و چه آنگاه که منبع بر جای گذاری انواعی از اثرهای نوری و نشانی از ردپای حقیقت نور در معماری می‌شود، سبب مداخلات انحصاری نور در این معماری است. گزینش مکانی، شکلی و نوعی هر جزء معماری در نسبت با تغییرات و تحولات حاصل از «حرکت نور و سایه» و «تصویرسازی‌های نور» بر روی سطوح و در پی آن بر احجام که بنا به تغییر در زاویه تابش با ورود به درون فضاها اثرهای نوری متفاوت و متحرکی را در زمان‌های متفاوت بر جای می‌گذارند، به معماری قدیم ایران هویت معتبری بخشیده است. حرکت علاوه بر اینکه خود به عنوان یک عامل مستقیم در حضور کیفی نور قابل تعریف است، از آن رو که موجب جان‌بخشی فضا از حیث «پویایی» می‌شود، دلیل جان‌بخشی اثر معماری شده است. حرکت نور بر روی سطوح و ایجاد تغییر میزان روشنایی آنها میان قلمروهای روشنایی و نیمه تاریکی؛ روشنی و تاریکی؛ و روشنایی و درخشانی که در طول ساعت‌های مختلف روز محدوده‌های مختلفی را تعیین می‌کنند همچون نقشی که طرح های اسلیمی و دیگر آرایه‌ها بر پیکره معماری ایفا می‌کنند، تداعی گر گونه‌ای از پویایی شده که در

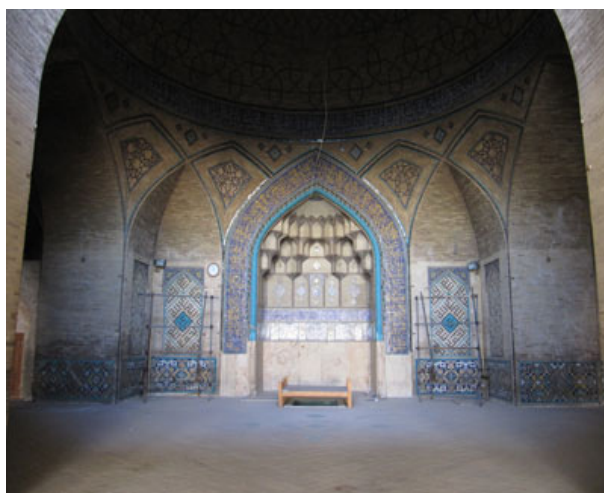
و حرکت به سوی آن، حرکتی به سوی بخش دیگر فضا است با کلیت و جامعیتی گسترده. یکی از خصوصیات معماری ایران برقراری تداوم مکانی می‌باشد. پرده‌های فضایی، شروع و مقدمات آشکار ویژه‌ای را مشخص می‌نماید و اوج آن زمانی است که احوالات درون‌گرایانه به دلیل پشت سر گذاشتن مسیر و زمان به دریافت کاملی از یک حس باطنی در این عبور فضایی رسیده باشد. این آمادگی متأثر از حرکت، زمان و نور ایجاد می‌شود. نور در فضای معماری قدیم ایران حضوری مداوم و متغییر دارد و با القای حسی از تداوم و هماهنگی باعث درک تداوم زمان در فضا می‌شود (جدول ۸).
۶،۶ اصل ششم: «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ»؛

اصل حرکت و جهت

حرکت طبیعت نور طبیعی و علت وجود عینی نور است. از این رو به کارگیری اندیشیده ابزارهای بیانی معماری به منظور تاکید و نمایانی حرکت که شاخصه نور شناخته شده موجود در هستی است، از جمله خصوصياتی است که برپایی آثار معماری قدیم ایران از آن متأثر است. حرکت که همواره با موضوع «سوی» در «اثربخشی به فضا» و نیز «اثرپذیری از کالبد» نقش دارد، چه آنگاه که تامین



مسجد جامع یزد



مسجد حکیم اصفهان

استفاده قرار گرفته است. جهت ورود نور در فضاهای حرکتی بناهای مذهبی به عنوان یک نیاز عملکردی در تعیین «راستای حرکت و تعریف کجایی» در فضا، چه با در معرض دید قرار دادن روزنه و چه با تاکید بر اثرهای نوری، مورد توجه بوده است. نور در اصلی‌ترین فضای نیایش و به منظور سلب توجه از جهتی خاص، برای «همه از نور بودن» ماده، تاکید بر جهتی خاص را در روشنایی بخشی ندارد مگر در تعیین سوی خاص که به طور معمول «جهت مقدس» است. موارد زیر مبانی تحقق ویژگی سوی نور در معماری قدیم ایران بوده‌اند که به صورت‌های شکلی مختلف در دوره‌های متفاوت عینیت یافته یا به ادراک در آمده‌اند:

- نور به منظور تعیین راستای حرکتی در ارتباط‌های فضایی؛
- نور به منظور تاکید بر راستا یا نقطه ای مشخص؛
- نور به منظور فراهم آوری بی‌جهتی و فراگیری (همه جایی).

۶،۷. اصل هفتم: «وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» اصل آیتی

در معماری هر اثر برپا شده بیانگر است و در جوامع وابسته به سنت هر عمل معمار در برپایی مکان

قیاس با مبانی تعریف کننده حرکت در حکمت قدیم ایرانی، یادآور «زنده بودن» است. حرکت عاملی وابسته به زمان است و در معماری قدیم ایران با نور تعریف می‌شود. به سخن دیگر حرکت عامل تعیین کننده زمان قراردادی (طلوع و غروب خورشید و ...) می‌شود و تغییر ناشی از حرکت در سیر زمان، تلقی از «بودن، ماندگاری و زندگی و منبع باشیدن» است. مشارکت اجزای معماری با ویژگی حرکت نور اهمیت ویژه‌ای در معماری قدیم ایران داشته است و سازگاری این معماری را با اصل حرکت، تعریف زمان و باور به زنده بودن اجزای عالم یادآور می‌شود. حرکت هدفمند نور در معماری قدیم ایران به عنوان یک ویژگی مورد توجه بوده و حضور کیفی نور را به طور متداوم تضمین کرده است. نور در این معماری نه تنها از ابزار تعیین جهت به شمار رفته است بلکه در گزینش جهت وارد شدن به فضا که برای حضور بخشی به فضا موثر است دخالت دارد (جدول ۹).

«جهت وارد شدن نور به فضا» در اغلب موارد بویژه در فضاهای مذهبی چون مسجد و در فضای اصلی نیایش به گونه ای است که به تناسب عملکرد فضا، یا تعمدانه برای توجه به جهتی خاص به کار رفته یا آگاهانه برای سلب توجه از سوی نور، مورد



مسجد گنجعلی خان کرمان



مسجد شیخ لطف الله

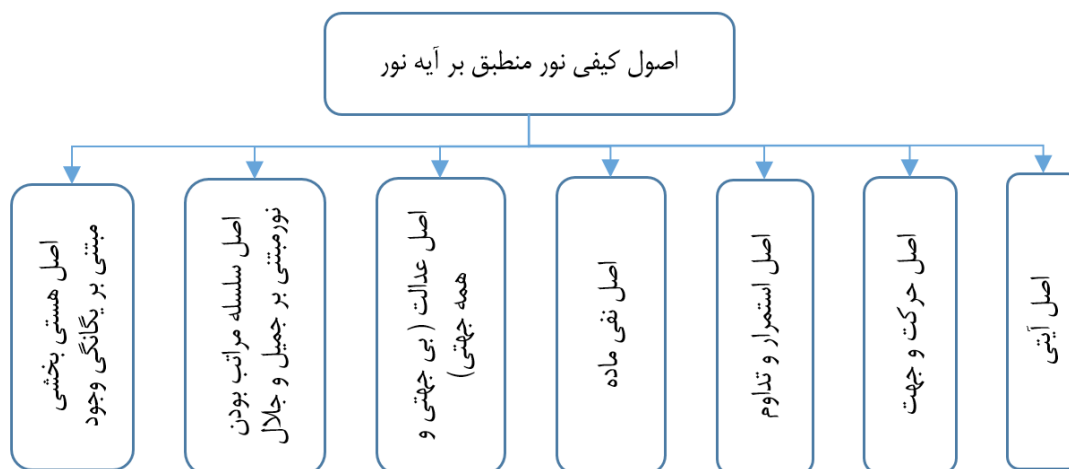
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۹۵

مستقیم نور است. اثر معماری برای «نور غالب» در معماری قدیم ایران همچون حجاب است و این حجاب به گونه‌ای طراحی شده است که بتواند آنگونه که مورد نیاز و خواست است نور را منشاء اثر در اثر معماری کند. از این رو این حجاب که خود قالب نور است نور را از مدخل‌های متفاوت به شیوه‌های مورد نظر به درون آورده است و اجزای قالب یا کالبد در همراهی با خواستی که حضور کیفی نور را طلب دارد به آن حضور بخشیده‌اند. در حکمت و عرفان ایرانی اصل «نشانه داشتن هستی یافته از هستی داده و مصنوع از صانع» یک باور پذیرفته است و گمان بر این است که برپادارندگان معماری از این اصل در به حضور رساندن نور که ردپایی از «هستی؛ یگانه هستی بخش؛ و همه جایی و همه زمانی حضور هستی بخش» دارد، بهره برده و آن را به تصویر و تصور در آورده‌اند. این مفاهیم در کالبد معماری قدیم ایران به همراه نقش فراهم‌آوری زمینه برای به حضور رساندن نور از طریق «اصل تضاد» و توسط تاریکی مهیا شده است. وجود تاریکی با وجود تقابل تاریکی به مفهوم ظلمت،

رخداد زندگی متعلق به آن، نشانه و ردپایی را از مبانی شکل دهنده به آن زندگی آشکار می‌کند. بیانگر از این رو که مضمون متن آن تبیین کیفیت زندگی انسان است و نشانه از آن رو که نشان از ملاحظات حقیقت زندگی متصور برای آن دارد. این تبیین و نشانه داشتن به وجه چند سویه نور، مفهوم نشان داشتن از محتوایی را که اساس زندگی بر پایه آن شکل گرفته است روشن می‌سازد. به سخن دیگر نور از حیث مقام بیانگری معماری، نشان از اصل نور، نورالانوار دارد؛ ردپایی از حضور دارد که چه در عالم ماده و چه در عالم نفس تعریف شده است. نور در غالب نقشی که در معماری ایران قدیم دارا بوده است حضوری «غیرمستقیم» و «آیتی» دارد. در واقع آنچه از نور در این معماری به احساس و ادراک در می‌آید بیشتر آیتی از حضور آن است و به بیان دیگر حاصل انواع کنش و مشارکت میان ابزارهای بیانی معماری و نور است تا خود آن، مگر در فضای باز بیرونی چون میانسراها و فضاهای واسطه که به نوع دیگری است. اثرهای نوری حضور نور که در فضای معماری قدیم ایران تجربه می‌شود، شاخص‌تر از حضور



نمودار ۱. اصول کیفی نور منطبق بر آیه نور (نگارنده)

را تابع خود می‌کند و باعث افزایش حضور کیفی نور روز در فضای عبادی گشته و با تبدیل مشخصه‌های فضا، از کمی به کیفی، باعث پیدایش «مکان مقدس» می‌گردد. نگارنده بر اساس تاویل‌های صورت گرفته از آیه نور توسط مفسران اسلامی و مقایسه و تطبیق آنها با یکدیگر، اصولی را استخراج نموده است که به عنوان ویژگی‌های کیفی نور تعریف و آنها را در نمونه‌های مساجد ارزشمند ادوار تاریخی ایران مورد تطبیق قرار داده است. این اصول در نمودار (۱) بیان شده است.

متأسفانه در معماری مساجد معاصر، نور به دلیل دوری گشتن از منابع آبخور خود(دین، حکمت، عرفان) جایگاه معنوی خود را از دست داده است. مساجدی که در گذشته با اتکا به مبانی ایمانی، حکمی و عرفانی بنا می‌شدند، به کالبدهایی صرفاً فیزیکی و بی‌هویت بدل شده‌اند. این امر در نتیجه گسیختگی معماری مساجد امروزی از اندیشه‌های معنوی گذشتگان و نیز استفاده بدون تأمل از عناصر بصری مساجد گذشته و بی‌توجهی به لایه‌های معنوی و معرفتی حاصل شده است. امید آن که اصول معرفتی شده، چشم‌اندازی جامع از مفاهیم عالی حضور کیفی نور در جهت ایجاد فضاهایی منطبق با نیازهای معنوی، فرا راه انسان معاصر قرار دهد.

عنصری کارا و شاخص است (جدول ۱۰). تاریکی به عنوان ابزاری مناسب و لازم برای تایید و تاکید بر نور است و در معماری قدیم ایران برای نمایانی نقش نور به شکل‌های متفاوت به کار رفته است تا قلمروی آن «مظهر تجلی نور» شود از آن رو لازمه «رخ‌نمایی نور»، بر اساس قوانین فیزیکی دیدن، روشنایی نیست بلکه تاریکی است. سه ویژگی کلی زیر در تعریف نقش نشانه‌ای یا آیتی نور در معماری قدیم ایران قابل شناسایی است:

- کمتر آشکار بودن یا پنهان بودن منبع نوری و بیشتر پیدا بودن اثر نور؛
- قدرت اثری نوری در نمایانی و چه چیز را نمایان کردن؛
- تصویرسازی به یاری رفتارهای نوری.

۷. جمع بندی و نتیجه گیری

نور به عنوان پایه و اساس باور اعتقادی در فرهنگ مردمان ایران قدیم، حضور چشمگیری در معماری فضاهای عبادی(مساجد) به عنوان تجلی‌گاه توحیدالهی داشته است. حضور نور در مساجد تاریخی ایران قدیم با تبعیت از ارزش‌های اسلامی به صورت کیفی بوده و جنبه کمی و فیزیکی آن جزئی جدائی‌ناپذیر از این حضور قلمداد می‌شود به بیان دیگر ارزش‌های دینی، رفتارهای نور و تاریکی

منابع و ماخذ

۱. «قرآن کریم»، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
۲. اسپینورا، باروخ (۱۳۶۴) «اخلاق»، ترجمه محسن جهانگیری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۳. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۹) «نور، آتش، آتشکده در آیین زردشت»، تهران، نشر مرکز.
۴. باسائو، مری (۱۳۸۵) «نور»، ترجمه فریبا مقدم، چاپ اول، تهران، انتشارات حمید.
۵. بمانیان، محمدرضا و عالی نسب، محمد علی (۱۳۹۰) «بررسی نقش نور در تبیین توالی فضا در معماری اسلامی (نمونه موردی: مسجد شیخ لطف الله)»، مجله معماری و شهرسازی اسلامی.
۶. بمانیان، محمدرضا و نیکودل، فهیمه (۱۳۹۳) «بررسی انواع نورگیری و روش‌های تامین نور در مساجد دوره قاجار تهران»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال اول، شماره سوم.
۷. تقی زاده، حسن (۱۳۳۵) «مانی و دین او»، فراهم آورنده: احمد افشار شیرازی، تهران، چاپخانه مجلس.
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷) «لغت نامه»، جلد پانزدهم و دهم، چاپ دوم از دوره جدید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۷۵) «مجموعه مصنفات»، جلد دوم، تصحیح هانری کربن، سیدحسین نصر، نجفقلی حبیبی. چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۳) «حکمه الاشراق»، به اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۰) «تفسیر المیزان»، جلد پانزدهم، چاپ پنجم، قم، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۱۲. عمید، حسن، (۱۳۷۹) «فرهنگ عمید»، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۳. «کتاب مقدس» (۱۳۶۲) تهران، انجمن کتاب مقدس ایران.
۱۴. کشمیری، هادی و نوشادی، زهره و عباسی،
- منیژه، (۱۳۹۲) «بررسی فیزیک و مفاهیم معنوی نور در معماری سنتی ایران (با نگاهی به مساجد و خانه‌ها)»، همایش معماری پایدار و توسعه شهری.
۱۵. لاهوری، اقبال، (۱۳۸۰) «سیر فلسفه در ایران»، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران، نگاه.
۱۶. معین، محمد، (۱۳۷۹) «فرهنگ فارسی»، جلد دوم، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۷. میرفخرایی، مهشید، (۱۳۸۳) «فرشته روشنی: مانی و آموزه‌های او»، تهران، ققنوس.
۱۸. نصر، سید حسین، (۱۳۸۹) «هنر و معنویت اسلامی»، ترجمه رحیم قاسمیان، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت.
۱۹. نوربخش، سیما، (۱۳۸۶) «آیت اشراق»، تهران، مهر نیوشا.
۲۰. هومن، محمود، (۱۳۸۱) «تاریخ فلسفه (کتاب اول)»، چاپ سوم، تهران، انتشارات پنگان.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۴۹۷

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۴۳ تابستان ۹۵

No.43 Summer 2016

■ ۴۹۸ ■